

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه کاشان
دانشکده‌ی علوم انسانی
گروه ادیان و فلسفه

پایان نامه
جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی ادیان و عرفان

عنوان:
ذکر در تصوف

استاد راهنما:
آقای دکتر احسان قدرت‌اللهی

بوسیله:
نجمه جهان‌شاهی

تیر ماه ۱۳۹۰



دانشگاه کاشان
دانشکده علوم انسانی

بسمه تعالی

تاریخ:
شماره:
پرست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه
صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجو: نجمه جهانشاهی شماره دانشجویی: ۸۶۲۳۴۲۰۰۰۳
رشته: ادیان و عرفان دانشکده علوم انسانی
عنوان پایان نامه: ذکر در تصوف
تعداد واحد پایان نامه: ۴ تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۶/۱۴

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۹۰/۶/۱۴ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره ۱۸/۵ به عدد ۱۸۵ و با درجه بسیار خوب به تصویب رسید.
اعضای هیأت داوران:

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر احسان قدرت الهی	استادیار	
۲. استاد مشاور	-----		
۳. متخصص و صاحب نظر داخل دانشگاه	دکتر حسین حیدری	استادیار	
۴. متخصص و صاحب نظر خارج از دانشگاه	دکتر محمدهادی امینی	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر محسن سیفی	استادیار	

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان - بلوار قطب راوندی
کد پستی: ۵۱۱۶۷ - ۸۷۳۱۷
تلفن: ۵۱۱۲۷۷۷ - ۵۱۱۲۷۷۷
<http://www.kashanu.ac.ir>

تقدیم بہ:

ذاکران تحقیقی آن مذکور

و استاد صبور و مہربانم، دکتر قدرت اللہی و ہمسرفداکارم و شیرینی زندگی ام، محمد طاہ

مشکر و قدردانی:

پیش از آغاز این پژوهش، بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید و بزرگوارانی که در طول تحصیل، مراد کسب دانش و معرفت یاری نمودند، مشکر و قدردانی نمایم.

از استاد گرامی و فرزانه، جناب آقای دکتر قدرت‌اللهی که بار، بنمودهای صمیمانه‌شان مراد جمع آوری و نگارش این رساله یاری نمودند، کمال تشکر را دارم.

از جناب آقای دکتر حدیری که به عنوان متخض و کارشناس داخلی در جلسه دفاعیه حضور به هم رسانند، مشکرم.
از جناب آقای دکتر امینی که به عنوان کارشناس خارج از دانشگاه، داوری این پایان نامه را بر عهده گرفتند، سپاسگزارم.
از جناب آقای دکتر سیفی، که به عنوان نماینده تحصیلات تکمیلی در جلسه دفاع حاضر شدند، مشکرم.

چکیده:

مشایخ صوفیه از عوامل مختلفی جهت تربیت سالکین الی الله و تعالی و کمال روحی و معنوی ایشان سود جستند. اگر غایت سیر و سلوک عرفانی وصول به حقیقت مطلق هستی و تخلّق به صفات و اسماء الهی باشد، از جمله مهم‌ترین ابزارهایی که می‌تواند سالک را از تخدیر طبیعت و تعلّقات مادی و نفسانی برهاند و او را در سیری صعودی به سوی عوالم ملکوتی و قدسی عروج دهد و به اوصاف ربّانی متّصف سازد، ذکر است. اشتغال زبانی و ذهنی و قلبی با نام و یاد محبوب ازلی سبب خواهد شد تا رفته رفته مظاهر هستی در نظر سالک رنگ باخته، خاطر آدمی از عالم کثرت منقطع گردد و در مراتب نهایی دیگر نشانی از ذکر و ذاکر در میان نبوده همه چیز مذکور و معشوق گردد.

گرچه ذکر در تصوف از همان دوره‌های آغازین نیایشی ویژه تلقی شده که شروط و لوازم تحقّق و صحت دیگر عبادات در آن دخیل نبوده انجام آن به زمان و مکان خاصی محدود نیست اما صوفیه به منظور دستیابی به نتایج کامل‌تر برای آن شرایط و آداب و رسومی وضع کردند و حتی تلقین ذکر را در زمرهٔ ارکان آیین تشرّف نوسالکان قلمداد نمودند.

در پژوهش حاضر، تلاش شده است تا ابتدا تصویری روشن از جایگاه ذکر و مسائل مختلف وابسته به آن همچون: آداب ذکر، انواع ذکر، مراتب ذکر، نتایج و آثار ذکر و نمونه‌هایی از مهم‌ترین اذکار، از دیدگاه کتاب و سنت ارائه شود، سپس همین مطالب و موضوعات در آثار صوفیه واکاوی و بررسی گردد و در نهایت میزان هم‌گرایی و واگرایی دیدگاه‌های شریعتی و طریقتی در خصوص ذکر تبیین شود.

کلمات کلیدی: ذکر، تصوف، قرآن، سنت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیش‌گفتار
فصل اول: ذکر در قرآن و سنت	
۴	۱. معنای لغوی و اصطلاحی ذکر
۵	۲. معنای ذکر در قرآن
۵	۱-۲. یاد زبانی
۶	۲-۲. یاد قلبی
۶	۳-۲. گفتار
۶	۴-۲. وحی
۷	۵-۲. نماز
۷	۶-۲. پیامبر
۸	۷-۲. اطاعت کردن
۸	۸-۲. بیان کردن
۸	۹-۲. تورات و کتاب‌های آسمانی پیشین
۱۰	۳. معنای ذکر در روایات
۱۱	۴. انواع و مراتب ذکر
۱۱	۱-۴. انواع ذکر
۱۱	۱-۱-۴. ذکر قلبی
۱۲	۲-۱-۴. ذکر لسانی
۱۲	۱-۲-۱-۴. ذکر جلی
۱۳	۲-۲-۱-۴. ذکر خفی
۱۳	۲-۴. مراتب ذکر
۱۴	۱-۲-۴. ذکر عام
۱۴	۲-۲-۴. ذکر خاص
۱۴	۲-۳-۴. ذکر اخص
۱۵	۵. جایگاه ذکر در قرآن و سنت
۱۷	۶. عوامل بازدارنده ذکر
۱۷	۱-۶. شیطان
۱۸	۲-۶. هوای نفس
۱۸	۳-۶. دنیادوستی
۱۹	۴-۶. بدکرداری

صفحه	عنوان
۲۰	۷. عوامل انگیزش ذکر
۲۰	۱-۷. معرفت و عشق الهی
۲۱	۲-۷. عمل خالصانه
۲۲	۸. آثار و برکات ذکر
۲۲	۱-۸. یاد خداوند از ذاکر
۲۲	۲-۸. آرامش و اطمینان دل
۲۳	۳-۸. راندن شیطان
۲۳	۴-۸. شفای بیماری‌های روحی و باطنی
۲۴	۵-۸. نیک نامی
۲۴	۶-۸. حل مشکلات مادی
۲۴	۷-۸. پیدایی حکمت و بصیرت
۲۵	۹. آثار فراموشی یاد خدا
۲۵	۱-۹. فراموش شدن از جانب خدا
۲۵	۲-۹. تسلط شیطان
۲۶	۳-۹. ارتکاب گناه
۲۶	۴-۹. قساوت قلب
۲۷	۵-۹. سختی زندگی در دنیا و آخرت
۲۷	۱۰. آداب ذکر
۲۷	۱-۱۰. طهارت
۲۸	۲-۱۰. خشوع
۲۹	۳-۱۰. خلوص
۳۰	۴-۱۰. نشاط
۳۰	۵-۱۰. استمرار
۳۱	۶-۱۰. عدد در ذکر
۳۲	۱۱. اوقات ذکر
۳۲	۱-۱۱. بامدادان و شامگاهان
۳۳	۲-۱۱. اول تا دهم ذی‌الحجه
۳۴	۳-۱۱. ماه رمضان
۳۵	۴-۱۱. روز جمعه
۳۵	۵-۱۱. هنگام غروب
۳۵	۶-۱۱. بعد از نماز
۳۶	۷-۱۱. شب

صفحه	عنوان
۳۶	۱۲. مکان ذکر
۳۶	۱-۱۲. مکه
۳۷	۲-۱۲. مسجد
۳۷	۳-۱۲. تنهایی و خلوت
۳۸	۱۳. نمونه‌هایی از ذکرهای شناخته شده
۳۸	۱-۱۳. اسماء الهی
۳۹	۲-۱۳. بسم الله الرحمن الرحيم
۴۰	۳-۱۳. لا اله الا الله
۴۰	۴-۱۳. استغفار
۴۱	۵-۱۳. سبحان الله
۴۱	۶-۱۳. الحمد لله
۴۱	۷-۱۳. صلوات
۴۲	۸-۱۳. الله اكبر
۴۲	۹-۱۳. تسبیح حضرت زهرا(س)
۴۳	۱۰-۱۳. ذکر یونسیه

فصل دوم: ذکر در آثار صوفیه

۴۵	۱. معنای لغوی و اصطلاحی ذکر در تصوف
۴۶	۲. جایگاه ذکر در تصوف
۴۹	۳. ویژگی‌های ذکر در تصوف
۵۱	۴. انواع ذکر در تصوف
۵۲	۴-۱. ذکر جلی یا زبانی
۵۳	۴-۲. ذکر خفی
۵۶	۵. مراتب ذکر در تصوف
۵۶	۵-۱. ذکر زبانی
۵۷	۵-۲. ذکر قلبی
۵۸	۵-۳. ذکر حقیقی
۶۱	۶. آثار ذکر
۶۱	۶-۱. رفع حوائج دنیوی و کسب ثواب اخروی
۶۲	۶-۲. دوری از تعلقات و مادیات
۶۳	۶-۳. یاد خدا از بنده
۶۴	۶-۴. ایجاد محبت

صفحه	عنوان
۶۵	۵-۶. ایجاد جذبه یا وقت عرفانی
۶۵	۱-۵-۶. دیدن رنگ‌ها و نورها
۶۶	۲-۵-۶. مکاشفه و وقوف بر اسرار
۶۷	۳-۵-۶. ایجاد اتحاد
۶۷	۶-۶. آرامش و اطمینان
۶۸	۷-۶. انس
۶۹	۷. آداب ذکر
۶۹	۱-۷. تلقین ذکر
۷۳	۲-۷. تداوم ذکر
۷۴	۳-۷. اخلاص
۷۵	۴-۷. حضور قلب
۷۵	۵-۷. طهارت
۷۶	۱-۵-۷. طهارت ظاهری
۷۷	۲-۵-۷. طهارت باطنی
۷۹	۸. زمان ذکر
۷۹	۹. مکان ذکر
۸۰	۱-۹. خانقاه
۸۰	۲-۹. مسجد
۸۱	۱۰. فکر و ذکر در تصوف
۸۱	۱-۱۰. برتری ذکر
۸۲	۲-۱۰. برتری فکر
۸۵	۱۱. نمونه‌های اسماء حسناى الهى
۸۶	۱-۱۱. معرفت
۸۹	۱-۱-۱۱. الله
۹۲	۲-۱-۱۱. هو
۹۳	۳-۱-۱۱. لا اله الا الله
۹۶	۲-۱۱. نمونه‌های دیگر اذکار صوفیه

فصل سوم: ذکر در سلسله‌ها و طریقت‌های صوفیه

۹۹	۱. ملامتیه
۱۰۰	۱-۱. ذکر در طریقت ملامتیه
۱۰۲	۲-۱. انواع ذکر در طریقت ملامتیه

۳-۱. شیوة تشرّف به طریقت ملامتیه	۱۰۴
۲. قلندریه	۱۰۴
۱-۲. ذکر در طریقت قلندریه	۱۰۵
۲-۲. شیوة تشرّف به طریقت قلندریه	۱۰۶
۳. سهروردیه	۱۰۷
۱-۳. ذکر در سلسله سهروردیه	۱۰۷
۱-۱-۳. ذکر الله	۱۰۸
۲-۱-۳. ذکر لا اله الا الله	۱۰۸
۳-۱-۳. ذکر هو	۱۰۹
۲-۳. شیوة تشرّف به سلسله سهروردیه	۱۰۹
۴. قادریه	۱۰۹
۱-۴. ذکر در سلسله قادریه	۱۱۰
۲-۴. انواع ذکر در سلسله قادریه	۱۱۱
۱-۲-۴. تهلیل	۱۱۱
۲-۲-۴. هره	۱۱۴
۳-۴. شیوة تشرّف به سلسله قادریه	۱۱۷
۵. رفاعیه	۱۱۷
۱-۵. نحوه ادای ذکر در طریقت رفاعیه	۱۱۸
۶. کبرویه	۱۱۹
۱-۶. نحوه ادای ذکر در سلسله کبرویه	۱۲۰
۷. چشتیه	۱۲۰
۱-۷. انواع ذکر و نحوه بیان آنها در طریقه چشتیه	۱۲۲
۱-۱-۷. ذکر لا اله الا الله	۱۲۲
۲-۱-۷. ذکر الله	۱۲۴
۳-۱-۷. سایر اذکار	۱۲۵
۲-۷. شیوة تشرّف به طریقت چشتیه	۱۲۶
۳-۷. اذکار امروزی فرقه چشتیه	۱۲۷
۸. مولویه	۱۲۸
۱-۸. نحوه ادای ذکر در مولویه	۱۲۸
۲-۸. شیوة تلقین ذکر و تشرّف در طریقت مولویه	۱۳۱
۹. بکتاشیه	۱۳۲
۱-۹. شیوة تشرّف به طریقه بکتاشیه	۱۳۳

صفحه	عنوان
۱۳۳	۱۰. نقشبندیه
۱۳۴	۱-۱۰. ذکر در سلسله نقشبندیه
۱۳۶	۲-۱۰. ارتباط ذکر با اصول طریقت نقشبندی
۱۳۶	۱-۲-۱۰. یادکرد
۱۳۸	۲-۲-۱۰. بازگشت
۱۳۸	۳-۲-۱۰. نگاهداشت
۱۳۹	۴-۲-۱۰. یادداشت
۱۳۹	۵-۲-۱۰. وقوف زمانی
۱۳۹	۶-۲-۱۰. وقوف عددی
۱۴۰	۷-۲-۱۰. وقوف قلبی
۱۴۰	۳-۱۰. شیوه تشریف به سلسله نقشبندیه
۱۴۰	۱۱. یسویه
۱۴۱	۱-۱۱. ذکر در طریقت یسویه
۱۴۱	۱۲. نعمت‌اللهم
۱۴۳	۱-۱۲. ذکر در سلسله نعمت‌اللهم
۱۴۴	۲-۱۲. نحوه ادای ذکر در سلسله نعمت‌اللهم
۱۴۵	۳-۱۲. شیوه تشریف به سلسله نعمت‌اللهم
۱۴۶	۱۳. خاکساریه
۱۴۷	۱-۱۳. ذکر در طریقت خاکساریه
۱۴۷	۱-۱-۱۳. انواع ذکر
۱۴۷	۱-۱-۱-۱۳. ذکر جلی
۱۴۹	۲-۱-۱-۱۳. ذکر خفی
۱۴۹	۲-۱-۱۳. نوع دیگر اذکار در طریقت خاکساریه
۱۵۰	۳-۱-۱۳. مراتب ذکر
۱۵۱	۲-۱۳. آداب ذکر در طریقت خاکساریه
۱۵۲	۳-۱۳. شیوه تشریف به طریقت خاکساریه
۱۵۵	خاتمه: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۵۸	فهرست مراجع

پیش گفتار

پیش‌گفتار

حیات معنوی آدمی و پرورش و کمال روحانی انسان نقطه مرکزی تعالیم همه انبیاء بلکه مقصد و مقصود نهایی همه شرایع الهی است. در این راستا دین مبین اسلام که رسالت و بعثت پیامبر(ص) گرامی آن چیزی جز تکمیل و متمیم مکارم اخلاقی نیست، جایگاه ویژه‌ای دارد. تخلّق به اخلاق الهی و تشبّه به اوصاف ربّانی و حقّانی نیازمند ابزار و لوازمی است تا انسان در بند خور و خواب و شهوت را از قید بند تعلّقات نفسانی و مادی آزاد ساخته رفته رفته او را در سیری صعودی عروج داده و با عوالم قدسی و ملکوتی آشنا سازد. از جمله مهم‌ترین این اسباب دعا و نمازند، صورتهایی از حیات معنوی و نیایشی که از جانب شریعت اسلام در قالب دستورالعمل‌های خاص جهت ارتباط همه اقشار دیندار جامعه با حقیقت مطلق هستی وضع شده‌اند. مشایخ راستین صوفیه نیز همسو با انبیای الهی در راستای تحقق این آرمان گام برداشته‌اند. ایشان با تأثیرپذیری از تعالیم قرآن و سنت و بر حسب دریافت‌های باطنی و تجارب شخصی سلوکی‌شان به درستی دریافته بودند که علاوه بر صورتهای متعارف دینی و شریعتی، یکی از ابزارهای مهم و حیاتی در قطع تعلق خاطر آدمی از عالم کثرت و توجه و تقرّب و نهایتاً وصول به عالم وحدت، که غایت سیر مراتب طریقتی است، ذکر است. از این رو مشایخ همواره مریدان را بر آن می‌داشتند تا با التزام به این مهم و اشتغال زبانی و ذهنی و قلبی با نام و یاد محبوب و شاهد قدسی و ازلی، تا بدان مرحله بار یابند که دیگر نشانی از ذکر و ذاکر و مذکور در میان نبوده، همه چیز مذکور و معشوق گردد.

ذکر در تصوف هر چند نیایشی ویژه تلقی شده که انجام آن در هر زمان و مکان میسر بوده، اوقات خاص نیایش‌های یومیّه و سایر شروط تحقق و صحت عبادات در آن دخیل نیست، اما به منظور تحصیل نتایج مورد نظر، برای آن مقدمات و شرایط و آداب و قواعدی ترسیم شده و حتی تلقین ذکر یکی از ارکان آیین ورود به جرگه تصوف قلمداد گردیده است.

این تحقیق می‌کوشد تا از یک سو تصویری روشن از جایگاه رفیع ذکر در متون صوفیه ارائه کرده و از دیگر سو جدای از بحث‌های نظری، نحوه اجرای آن در سلسله‌های صوفیه به ویژه طریقت‌هایی که تا روزگار معاصر به حیات خود ادامه داده و مراسم خانقاهی خود را حفظ کرده‌اند، را عملاً نشان دهد. اما از آنجا که متصوفه خود به کرات در آثارشان به این حقیقت اشاره داشته‌اند که جمیع معارف و معتقداتشان برگرفته از تعالیم ناب دین اسلام بوده و در آیات قرآنی و سیره و سنت نبوی(ص) ریشه دارد، مبحث «ذکر در قرآن و سنت» را جزو فصول اصلی رساله قرار دادیم تا از این رهگذر میزان هم‌گرایی و واگرایی صوفیه در این خصوص با قرآن و سنت ارزیابی شده و اولین فرضیه این پژوهش که «صوفیه در مسئله ذکر- مقدمات، شرایط و آداب آن- عمیقاً از قرآن و سنت متأثر بوده‌اند» را تبیین نماییم.

پژوهش حاضر علاوه بر پیش‌گفتار و خاتمه از سه فصل تشکیل شده است. فصل اول با عنوان «ذکر در قرآن و سنت» به طرح مباحثی چون معانی و جایگاه ذکر در آیات و روایات، انواع و مراتب ذکر، عوامل بازدارنده ذکر، عوامل انگیزه‌بخش ذکر، آثار و برکات ذکر، آداب ذکر، زمان و مکان ذکر پرداخته است. فصل دوم با عنوان «ذکر در آثار صوفیه» جایگاه ذکر، مقدمات و شرایط و لوازم آن از نگاه متصوفه با استناد به تألیفاتشان را مورد بررسی قرار می‌دهد. عنوان سومین فصل «ذکر در سلسله‌ها و طریقت‌های صوفیه» است. در این فصل نگاه مهم‌ترین سلسله‌های صوفیه به ذکر و نحوه اجرای مراسم تلقین آن به نوسلوکان و انجام دسته‌جمعی آن در خانقاه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

امید که این نوشته مدخل مناسبی برای تحقیقات کامل‌تر آتی قرار گرفته طریق کمال و جامعیت را بیوید.

والله هو المستعان

فصل اول:

ذکر در قرآن و سنت

۱. معنای لغوی و اصطلاحی ذکر

ذکر به لحاظ واژه‌شناسی از سه حرف اصلی ذال و کاف و راء تشکیل شده است. همه مشتقات این کلمه از این سه حرف تشکیل می‌شود مانند «مذکر: یعنی زنی که پسر زائیده است یا ذکور البقل یعنی گیاهان علفی ستبر و...»^۱

خود واژه ذکر به معنای یادآوری در مقابل فراموشی و از یاد بردن است. معنی دیگری که برای آن بیان کرده‌اند، حفظ شیء است که آن هم در مقابل نسیان قرار می‌گیرد، اما این یادآوری چگونه باید باشد و چه نشانه‌ای دارد تا بتوان گفت چنین عملی صورت گرفته است؟

چنان که از کتب لغت برمی‌آید، نشانه آن جاری شدن بر زبان است.^۲ به طور کلی اصل معنای آن، یاد در مقابل فراموشی است و به کار بردن آن در معنای دیگران بدان مناسبت است که مورد استعمال دارای خصوصیتی است که موجب توجه انسان به آن می‌شود مانند آنچه در برخی کتب لغت آورده‌اند: «و به پسر از آن جهت ذکر و مذکر گفته می‌شود که موجب زنده ماندن و بقای یاد و نام پدر می‌گردد.»^۳

از نظر اصطلاحی نیز این کلمه تفاوت چندانی با معنای لغوی‌اش ندارد و به معنای همان یادآوری و یاد کردن است. ذکر یعنی نگه داشتن در ذهن و یا ادامه یادآوری. این معنا درست مانند معنای لغوی‌اش در مقابل نسیان و فراموشی قرار می‌گیرد. یادآوری در این معنا می‌تواند هم جاری کردن به زبان باشد و هم در قلب.

راغب اصفهانی معنای کامل‌تری نسبت به دیگران ارائه داده است: «ذکر، حالتی است برای انسان که به سبب آن می‌تواند آنچه را آموخته در ذهن نگه دارد و از این جهت مانند حفظ است منتها حفظ به معنای یادآوری. معنای دیگر ذکر، حاضر کردن چیزی در دل و یاد

۱. احمد بن فارس، ابن زکریا، مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مرکز النشر مکتب الاعلام، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۵۸

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربیه، بیروت، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۸

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۹ق، ص ۱۷۹

آوردن آن به زبان است، لذا گفته می‌شود ذکر دو گونه است: ذکر قلبی و ذکر زبانی و هر یک از این دو نیز بر دو گونه است: یکی یادآوری چیزی که فراموش شده است و دیگری ادامه حفظ و به معنای به یاد سپاری است. لذا هر گفته‌ای را ذکر می‌گویند.^۱

در یک جمع‌بندی کلی نتیجه می‌شود که تفاوت چندانی بین معنای لغوی و اصطلاحی ذکر دیده نمی‌شود و از هر دو لحاظ این واژه به معنای یادآوری و به یاد سپاری است.

۲. معنای ذکر در قرآن

بنا بر آنچه تحقیق شده، واژه ذکر به همراه مشتقات نزدیک آن، بیش از ۲۷۰ بار، و عبارت ذکر الله ۲۶ بار به صورت اسم و فعل در قرآن به کار رفته‌اند.^۲ این واژه در آیات مختلف بنا بر تفسیر و شأن نزول، معنای خاصی دارد که به چند مورد آن با تکیه بر تفسیرهای مختلف اشاره می‌شود.

۲-۱. یاد زبانی

«فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا...»^۳ (= همان گونه که نیاکانتان را یاد می‌کنید، یا بلکه بهتر و بیشتر [از آن] خداوند را یاد کنید...)

در حدیثی از امام باقر(ع) آمده است که در ایام جاهلیت، پس از فراغت از مراسم حج، مردم به گرد هم اجتماع می‌کردند و افتخارات نیاکان خود را بر می‌شمردند و از گذشته آنها یاد می‌کردند. بدان سبب این آیه نازل، و به آنها دستور داده شد که به جای این کار، ذکر خدا (که البته زبانی است) را به جای آورند و از نعمت‌ها و مواهب او یاد کنند.^۴

با توجه به آنچه از سیاق آیه برمی‌آید، دور هم نشستن و صحبت کردن، همان ذکر زبانی است.

۱. همان، ص ۳۲۸

۲. چیتیک، ویلیام، درآمدی بر تصوف و عرفان اسلامی، ترجمه جلیل پروین، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده امام خمینی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰

۳. بقره: ۲۰۰؛ احزاب: ۴۱

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶

۲-۲. یاد قلبی

وجه دیگری که برای ذکر آورده‌اند، یاد قلبی است. در آیاتی نظیر «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ...»^۱ (= و کسانی که چون کار ناشایستی کردند یا بر خویشان ستم روا داشتند خدای را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند...)، ذکر قلبی، ذکر به زبان نیست و معمولاً در زمانی جلوه می‌کند که آدمی با حلال و حرام الهی رو به رو شود. علامه سید محمد حسین طباطبایی در تفسیر خود می‌نویسد: «از عبارت ذکرُوا الله در این آیه شریفه فهمیده می‌شود که آن، یادی است قلبی تا با این یاد استغفار و توبه صورت گیرد و الا لقلقة زبان فایده‌ای ندارد.»^۲

۲-۳. گفتار

سومین معنای برداشت شده در مورد ذکر از قرآن، گفتار است. این معنا در داستان حضرت یوسف (ع) آنجا که می‌فرماید: «أذْكُرُنِي عِنْدَ رَبِّكَ...»^۳ (= مرا نزد سرورت یاد کن) به خوبی دیده می‌شود زیرا حضرت یوسف (ع) از رفیق خود می‌خواهد نزد مالک و صاحب اختیار خود از او یاد کند و با گفتار، بی‌گناهی او را ثابت کند.^۴

۲-۴. وحی

وحی یکی دیگر از معانی ذکر در قرآن است: «فَالْتَالِيَاتِ ذِكْرًا»^۵ (= و به خوانندگان ذکر

[قرآن و کتاب‌های آسمانی])

۱. آل عمران: ۱۳۵

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد رضا صالحی کرمانی، چاپ چهارم، نشر بنیاد علمی و فکری علامه

طباطبایی، بی‌جا، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۵

۳. یوسف: ۴۲

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۴۱۳

۵. صافات: ۳

این معنی تفسیری بسیار نزدیک با معنی قرآن دارد و گاهی هم به معنای قرآن به کار رفته است، مانند آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱ (= همانا ما قرآن را نازل کرده‌ایم و ما خود نگهبان آنیم).

به این سبب، قرآن را ذکر می‌گویند که یاد نام خداوند است. یاد خدا، قیامت و نعمت‌های بی‌کران اوست.^۲

۲-۵. نماز

از دیگر معانی ذکر، نماز است که گستره وسیعی در آیات قرآن دارد و از مصداق‌های کامل ذکر الهی است. از سوی دیگر، خداوند متعال فلسفه نماز را ظهور یاد خود می‌داند: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»^۳ (= نماز را به یاد من برپا دار).

در آیات قرآن، گاهی به جای کلمه صلاة، واژه ذکر آمده است مانند: «فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ...»^۴ (= به سوی یادکرد خداوند بشتابید و خرید و فروش را رها کنید). از نام سوره‌ای که این آیه در آن قرار گرفته، معلوم می‌شود که مقصود از واژه ذکر، نماز جمعه است.^۵

۲-۶. پیامبر

در آیات الهی، پیامبر نیز معنای ذکر را تداعی می‌کند و شاید بدین سبب به او ذکر گفته می‌شود که موجب یادآوری خداوند متعال است: «آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا»^۶ (= به راستی که

۱. حجر: ۹

۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ چهارم، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۳۱۸

۳. طه: ۲۴

۴. جمعه: ۹

۵. بهرام‌پور، ابوالفضل، نسیم حیات، تفسیر جزء ۲۸، چاپ سوم، انتشارات آوای قرآن، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۹۶

۶. طلاق: ۱۰